



سید محمد حسین حسینی

۱. فِهْمَةٌ غَيْرُ مُقَهَّمَةٍ؛ فهمیده‌ای بدون

آموزگار.

۲. خَالِمَةٌ غَيْرُ مُعَلَّمَةٍ؛ دانای بدون

معلم، این دو لقب از زبان حضرت

سجاد علیه السلام بیان شده است.^۱

۳. عَقِيلَةُ النِّسَاءِ؛ بانوی خردمند در

میان زنان.

۴. عَقِيلَةُ بَنِي هَاشِمٍ؛ بانوی خردمند

در میان بنی هاشم.

۵. سَيِّدَةُ السَّعْقَائِلِ؛ بانوی بانوان

خردمند.

۶. نَائِبَةُ الزُّهْرَاءِ؛ جانشین و نماینده

۱. مستهی الأمال، شیخ عباس قمی، علمیه

اسلامیه، ج ۱، ص ۲۹۸.

صیح ازل طلیعة ایام زینب است

پاینده تا به شام ابد نام زینب است

در راه دین لباس شهامت چو دوختند

زیبنده آن لباس بر اندام زینب است

نام و القاب حضرت زینب علیها السلام

نام و القاب انسانها تا حدودی

بیانگر شخصیت آنان است؛ اما نام

زینب علیها السلام و القاب او، چون با توجه به

فضایل او نهاده شده، آیینۀ تمام نمای

شخصیت اوست. نام زینب منتخب

الهی است. در اصل همان «زین» «اب» است

به معنای زینت پدرش. و اما القاب او که در

طول عمرش با توجه به وقایع پیش آمده

انتخاب شده، از این قرار است:

حضرت زهرا علیها السلام.
 ۷. سَلَاةُ الْوَلَايَةِ؛ عصاره ولایت.
 ۸. صِدْقَةُ الصُّغْرَى؛ راستگوی کوچک.
 ۹. اَلْمَوْثِقَةُ؛ بانوی مورد اطمینان.
 ۱۰. اَلْفَاضِلَةُ؛ بانوی بافضیلت.
 ۱۱. بَطْلَةُ كَرْبَلَا؛ قهرمان کربلا.
 ۱۲. عَظِيمَةُ بَلَوَاهَا؛ بانویی که

امتحانش بزرگ بود.

۲. روح زندگی

زینب علیها السلام دختر امیر مؤمنان علیه السلام همه
 جا ثمره خیر، برکت، نشاط، ایمان و
 حقیقت بود. حضرت، زمانی که با عبدالله
 بن جعفر ازدواج کرد، کانون زندگی را
 چنان گرم و با طراوت نگاه می داشت که
 دیگران از چنین زندگی ای الگو می گرفتند.
 زینب علیها السلام در زندگی شخصی خود
 وظایفش را به خوبی می دانست و انجام
 می داد. آنجا که وی می بایست حق همسری
 را ادا کند، به بهترین وجه ادا می کرد و آنجا
 هم که باید وظایف مادری اش را به کار
 ۱۳. اَلْبَاكِيَةُ؛ بانوی گریان.
 ۱۴. اَمِيْنَةُ اللّٰهِ؛ امانت دار الهی.
 ۱۵. آيَةٌ مِّنْ آيَاتِ اللّٰهِ؛ نشانی از
 نشانه های خداوند.
 ۱۶. مَظْلُوْمَةٌ وَحِدَةٌ؛ ستم دیده تنها.
 ۱۷. بَابُ حِطَّةِ الْخَطَايَا؛ دروازه
 آمرزش گناهان.
 ۱۸. قُوَّةُ عَيْنِ الْمَرْتَضَى؛ نور چشم
 مرتضی (علی علیه السلام).
 ۱۹. اَلْكَامِلَةُ؛ بانوی کامل.
 ۲۰. قَرِيْبَةُ النَّوَابِيبِ؛ همدم ناگوار یها.
 ۲۱. رَسِيْبَةُ الْفَضْلِ؛ پرورش یافته

خاندان فضیلت.^۱

اوصاف زینب علیها السلام

۱. جامع کمالات

او بانویی بلند قامت، نیکو چهره و

۱. رسالتی از خون و پیام، ص ۳۱، خصایص

زینب، همان، ص ۵۲.

۲. الخصایص الزینبیه، سید نورالدین جزایری،

ص ۱۶۰ و زینب فروغ تابان کوثر، محمدی

اشتهاردی، انتشارات برهان، ص ۲۰-۲۲.

گیرد، بهترین مادر بود. پایه‌های زندگی زینب علیها السلام را ایمان، احترام به همسر، مشورت، رسیدگی به فرزندان، آزادی بیان، حتی برای کنیزان خانه تشکیل می‌داد. روح زندگی در خانه زینب در جریان بود و تمام اعضای خانواده از یکدیگر راضی و خشنود بودند؛ چرا که خداوند از چنین خانواده‌ای خشنود و خرسند بود.^۱

زینب علیها السلام که تربیت شده خاندان وحی بود از اخلاق محمدی و کردار حیدری و صبر و شکیبایی فاطمی در سها گرفت و بدان عمل کرد. حضرت به کوچک و بزرگ احترام می‌گذاشت و هیچ‌گاه چهره ترش نمی‌کرد. همیشه در سلام کردن [به بانوان و محرمان] پیش دستی می‌کرد و در مقابل مهمان از جابر می‌خاست و مقام او را ارج می‌نهاد. با اینکه عبدالله بن جعفر شوهر حضرت زینب، از بزرگان و ثروتمندان مدینه بود و در خانه، کنیز و غلام و... داشت؛ اما زینب علیها السلام در کارهای خانه آنان را یاری می‌داد و جویای احوالشان می‌شد تا اگر مشکلی دارند، آن را برطرف سازد.^۲

غروی اصفهانی درباره حضرت زینب می‌نویسد:

«چهره‌ام را به جهت قبله خلائق متوجه ساختم، به سوی همان بانویی که مکه به وجود او فضیلت یافت؛ همان بانویی که نقطه مرکزی دایره جهان در دو قوس صعودی و نزولی است، بانویی که در قوس نزولی کعبه مصایب و حوادث تلخ و در قوس صعودی، قبله همه خلائق است. در عوالم ملکوت اعلاء ام‌الکتاب است و در صحنه‌های بلا و رنج، مادر مصیبت‌هاست. پروریده مخزن قداست و طهارت در وقار و عفاف و شرم است. مثال او (زینب علیها السلام) همچون گنج پنهان به وسیله پوشش و حیا و عفت است.

او در بلند همتی و استقامت در برابر دشواریهای ناگوار همراز و همنوا و هم‌مطراز پدرش علی علیه السلام است. صبر او (زینب علیها السلام) در برابر مصایب شکننده، آن چنان در حد بالایی است که از عجایب و شگفتیها می‌باشد؛ بلکه جای آن دارد که به معجزه‌ها بیوندد؛ زیرا دیگران از چنان

۱. زندگانی حضرت زینب (رسالتی از خون و پیام)، دکتر علی قائمی، ص ۴۵ و ۴۶.
 ۲. همان، ۱۶ و ۱۷ - ۳۱.

۳. اسوه صبر و استقامت

اندیشمند گرانمایه مرحوم آیه الله

روزه و به تقوا و پرهیزکاری معروف بود.^۲

۵. قلّة عظمت

زینب علیها السلام مانند همه بانوان، طبیعتی عاطفی داشت و در جریان کربلا اسیر شد و صدمه دید؛ اما مانند کوهی استوار بر جای ماند و با مقاومت، در برابر مخوف‌ترین جباران و خون‌آشام‌ترین طاغوت‌های زمان، ایستاد. او هیچ‌گاه مغلوب نشد و شکست نخورد و به هیچ‌وجه با عجز و ناله و ناامیدی ادامه نداد. در تمام مراحل اسارت، تضرّع و التماس از وی دیده نشد و حتی به بهانه کتک خوردن خود، بازماندگان و کودکان اسیر، بر روی هدفش معامله نکرد. آری، عظمت روحی زینب علیها السلام فوق‌العاده بود. او مجسمه شجاعت، شهامت و سربلندی است. سخنان و اعمالش همگی حکایت از روح بلند و قدرت‌پایداری وی دارند و این مایه حیرت مورخان و وقایع‌نگاران شده است که یک زن تا چه حد می‌تواند اوج بگیرد و بر قلّه‌های عظمت

استقامتی عاجز هستند. چرا که زینب علیها السلام عصاره و گل سرسبد مقام ولایت عظمی است، همان ولایتی که وسعت و عمق آن بی‌نهایت است.^۱

۴. ردّ پای رسالت

او جلوه‌ای از رفتار نبوی و علوی بود، هر چند برخی افراد بیش از این را ادعا دارند. محمد غالب شافعی (محقق و نویسنده مصری) درباره حضرت زینب چنین آورده است: «یکی از بزرگ‌ترین زنان اهل بیت علیهم السلام از نظر حَسَب و نَسَب و از بهترین بانوان طاهر، که دارای روحی بزرگ و مقام تقوا و آئینه تمام‌نمای مقام رسالت و ولایت بوده، حضرت زینب دختر علی بن ابی طالب علیه السلام است که به نحو کامل تربیت شده و از پستان علم و دانش خاندان نبوت سیراب گشته بود؛ به حدّی که در فصاحت و بلاغت، یکی از آیات بزرگ الهی گردید و در حلم و کرم و بینایی و بصیرت در تدبیر کارها در میان خاندان بنی هاشم و بلکه در جهان عرب مشهور شد. و در خود جمال و جلال و سیرت و صورت و اخلاق و فضیلت، جمع کرده بود. آنچه همگی داشتند، او به تنهایی داشت، شبها در حال عبادت و روزها را

۱. آیه الله غروی اصفهانی، دیوان عربی، به نقل از فروغ تابان کوثر، ص ۶۴-۶۶ حضرت زینب، امیرحسین علیقلی، ص ۴۰.

۲. زندگی حضرت زینب، همان، ص ۳۳ و ۳۴ و فضایل و کرامات حضرت زینب علیها السلام، عباس عزیزی، ص ۵۳.

صعود کند.^۱

عبادت زینب علیها السلام

حضرت زینب علیها السلام همچون مادرش فاطمه علیها السلام نمازش را اول وقت به جا می آورد و در انجام آن بسیار دقت داشت. هنگام نماز، کارها را رها کرده، به نماز می پرداخت. حضرت چنان غرق در نماز و عبادت می شد که گویا در این دنیا نیست و محو معبود یکتا می گشت.^۲

نمازهای شب حضرت در طول زندگی؛ به ویژه در دوران اسارت و در مسیر کوفه و شام معروف است. تا آنجا که امام حسین علیه السلام در آخرین وداعش از او خواست که در نماز شبش او را فراموش نکند!^۳

ولایت معنوی و توکیلی زینب علیها السلام

حضرت زینب علیها السلام به مقامی رسید که با شواهد تاریخی می توان گفت وی به نوعی از مقام عصمت دست یافت. از او خطا و گناهی مشاهده نشد و در تمام ابعاد زندگی بر محور تقوای الهی حرکت نمود. زهد، تقوا و پیروی محض او از خدا، رسول خدا صلی الله علیه و آله و امام زمانش او را به مقامی رساند که امام حسین علیه السلام در لحظه های آخر حیاتش

او را به دلیل بیماری امام سجاد علیه السلام، نایب خاص خود قرار داد و کارها را به خواهرش واگذار کرد. این حرکت امام، بیانگر مقام والای زینب علیها السلام و برخورداری او از ولایت توکیلی است.^۴

شاهد دیگر بر مقام ملکوتی حضرت زینب علیها السلام این است که آن بانو، گاهی امام سجاد علیه السلام را به اموری که او را از گزند خطر حفظ کند سفارش می کرد، و همین طور در کارها مورد مشورت امام سجاد علیه السلام بود. زمانی که یزید اظهار پشیمانی کرد و به امام سجاد گفت: ای علی بن الحسین! هر حاجتی داری بیان کن، حضرت فرمود: نیازی به تو ندارم، در ضمن در هر موردی باید با عمه ام زینب سخن بگویم (و مشورت کنم) چرا که او پرستار یتیمان و غمگسار اسیران است.^۵

از نشانه های دیگر برخورداری زینب

۱. حضرت زینب کبری علیها السلام، همان، ص ۱۷۵.

۲. داستانهایی از زندگانی حضرت زینب علیها السلام، ص ۱۷ - ۲۱.

۳. تفصیل نمازهای شب آن بانو در شماره های پیشین مجله، از شماره ۳۳ آمده است.

۴. زندگانی حضرت زینب علیها السلام، دستغیب شیرازی، ص ۲۴ - ۲۶ و فروغ تابان کوثر، ۹۱ - ۹۰.

۵. الخصائص الزینبیه، ص ۲۹۴.

از ولایت معنوی این است که آن بانو «مُشْتَجَابُ الدَّعْوَةِ» بود. چه بسیار مردم گرفتار و دردمند که نزد زینب علیها السلام می آمدند، و از وی برای اجابت دعایشان درخواست دعا می کردند.

شخصی از «آیه الله سید ابوالحسن اصفهانی» خواست جملاتی به عنوان تبرک برای دیگران نقل نماید. سید فرمود:

«به مردم بگو: هر زمان حاجتمند شدند خدای متعال را به عظمت زینب قسم دهند؛ تا خداوند حاجتشان را برآورد؛ زیرا زینب علیها السلام نزد خداوند بسیار آبرومند است.»

و از امام زمان علیه السلام نقل شده که فرمود:

«در گرفتاریها واسطه‌ای آبرومند چون عمه‌ام زینب علیها السلام به درگاه خداوند معرفی کنید، تا خدای متعال رنج شما را برطرف سازد.»^۱

از نشانه‌های ولایت معنوی و تکوینی زینب علیها السلام است؛ وقتی در کوفه خواست خطبه بخواند اشاره کرد به جمعیت، نفسها در سینه‌ها حبس شد و رنگهای کاروان آرام گرفتند.^۲ علامه دربندی درباره خطبه زینب علیها السلام می نویسد:

هر کس در خطبه حضرت زینب علیها السلام در

مجلس یزید و احتجاج آن حضرت و نفعات انفس قدسیه و شیوایی فصاحت کلمات شریف او بنگرد، خواهد دانست که علم و معرفت زینب علیها السلام از نوع کلمات و معارف اکتسابی نبود؛ زیرا صدور چنان خطبه‌های بدون مقدمه و به طور ناگهانی جز از کسی که صاحب عصمت یا هم‌طراز آن است، ممکن نیست. روح نورانی و قدسی فوق العاده زینب علیها السلام موجب شد که مجلس در قبضه او قرار گرفت. کفر و خبائث باطن یزید آشکار شد؛ به طوری که یزید نتوانست سخن را در دهان آن بانوی عظمی بشکنند، تا خود و حاضران، زشتیها و پلیدیهای پدر و اجدادش را از زبان زینب علیها السلام نشنوند، چنین اقتدار و قهاریت از مردم عادی ساخته نیست، بلکه از ویژگیهای صاحبان ولایت مطلقه خواهد بود.^۳

۱. الوقایع و الحوادث، ج ۱، ص ۱۲۳ و سوگنامه

حضرت زینب، علی رضا رجالی، انتشارات

نبوغ، ص ۹۲ و ۹۳.

۲. لهوف، ص ۱۹۲.

۳. اسرار الشهادة، به نقل از الطراز المذهب،

ص ۸۰ و سیره عملی حضرت زینب، ص ۶۴